

بررسی احکام فقهی روابط عاطفی با نامحرم

زلیخا بانو^۱، طاهره کریمی^۲

چکیده

رابطه با جنس مخالف انواع مختلف دارد. این ارتباط ممکن است دوطرفه یا یک طرفه باشد مثل رابطه عاطفی با شهدا، رهبر، علما، رابطه بین معلم و شاگرد، دو دوست، دوستی بین دو جنس مخالف و بین بستگان. سؤال این است که در احکام فقهی روابط عاطفی با نامحرم چگونه تبیین می شود. احکام دین اسلام در این زمینه بیانگر توجه ویژه اسلام به سلامت و آرامش روانی فرد و جامعه است و رعایت قوانین حاکم بر آن و فراتر نرفتن دوطرف از آن محدوده لازم است. با بررسی آیات و روایات، ارتباط با نامحرم از روی محبت، تلذذ و ریه حرام است، اما عواطف پاک و اظهار عشق و علاقه نسبت به شهدا و علما چون الگو گرفتن از سبک زندگی آنهاست در زندگی انسان تأثیر مثبت دارد و عامل ثبات قدم در راه دین و دینداری است و مقدمه رسیدن به قله رفیع کمالات معنوی و انسانی است از نظر شرع جایز است. اصل حاکم در ارتباط عاطفی با نامحرم باید براساس اصل عدم مفسده باشد و در این صورت است که ارتباطات، ارزش اخلاقی داشته و موردپسند دین اسلام خواهد بود. تحقیق حاضر به روش توصیفی- تحلیلی و شیوه جمع آوری مطالب، کتابخانه ای است.

واژگان کلیدی: رابطه، عاطفی، حکم، فقه تربیتی، نامحرم.

۱. دانش پژوه کارشناسی ارشد فقه تربیتی، از کشور هندوستان، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۲. مربی و مدیر گروه علمی تربیتی فقه تربیتی، مجتمع آموزش عالی بنت الهدی، جامعه المصطفی العالمیه، قم، ایران.

۱. مقدمه

انسان از نظر فطری، گرایش و رغبت به جنس مخالف دارد چه محرم باشد چه نامحرم. رغبت به محرم هیچ مشکلی از نظر اسلام ندارد، اما برای گرایش به نامحرم در اسلام چارچوبی گذاشته شده است و در حد ضرورت می‌تواند با نامحرم رابطه برقرار کند. از آنجاکه بیشتر نوجوانان با این موضوع برخورد دارند بدون شک اسلام برای این‌گونه روابط، قانونی گذاشته است؛ زیرا دین اسلام، دین قانونمند است که در آن تمام جنبه زندگی انسان لحاظ شده است. اگر این تعامل و روابط بدون رعایت حدود و قانون اسلام برقرار شود عفت عمومی جامعه آسیب می‌بیند.

۲. مفهوم‌شناسی

۲-۱. رابطه

روابط، جمع مکسر رابطه و مؤنث آن رابط است. رابطه در لغت به معنای وصل و علاقه (معلوف، ۱۳۸۰، ص ۲۴۵) و به معنای آنچه بدان چیزی را به چیزی ببندند، علقه و صله، هر چیزی که بستگی به چیز دیگر داشته باشد، ارتباط و پیوندی که در میان دومی به واسطه دوستی و آشنایی پیدا می‌شود، آمده است. (دهخدا، ۱۳۷۳، ص ۱۱۰۲۷) روابط در اصطلاح، انتقال پیام و اطلاعات از سوی فرستنده برای مخاطب است که به صورت کلامی (مستقیم) یا غیرکلامی (غیرمستقیم) تعریف شده است. رابطه، مجموع رفتارهای متقابل و واکنش‌های دوجانبه شامل رابطه اقتصادی، رابطه جنسی، رابطه زناشویی، رابطه سیاسی است (محسنیان‌راد، ۱۳۹۶، ص ۴).

۲-۲. عاطفه

عاطفه به معنای مهربانی، مهر، دوستی و محبت و جمع آن عواطف است. (موسوی کانی، ۱۳۸۷، ص ۴) در اصطلاح، حالت روانی و پیچیده است که به صورت غریزی یا به واسطه محرک درونی یا بیرونی بروز می‌یابد و آثاری به روح و جسم انسان می‌گذارد که برخی از آنها قابل مشاهده است. (بهشتی، ۱۳۹۱، ص ۵۷۲)

۲-۳. رابطه عاطفی

رابطه عاطفی نوعی از روابط صمیمی است که با عناوین اعتماد، عشق، دلبستگی، ارتباطات رمانتیک و روابط نزدیک بیان شده است. رابطه عاطفی، روابط فردی تعریف شده است که نیازهای انسان را برای تعامل های هیجانی با افراد مهم، ارضا می کند و شامل نیاز به حمایت هیجانی و توجه گرم دوطرفه است. به عبارت دیگر، هر نوع روابط شامل احساس، علاقه، محبت و عشق بین دو فرد است. (یوسفیان، ۱۳۸۸، ص ۷۹)

۳. اقسام روابط با نامحرم

۳-۱. روابط غیرعاطفی

ارتباط عادی برای مصالح ویژه مانند رفت و آمدهای خانوادگی، دادوستد، استاد و شاگردی و مانند اینها که لازمه زندگی اجتماعی انسان است و منافع معنوی و مادی بر آنها مترتب است با رعایت حیای فردی و عفت جمعی با جنس مخالف که در شرایط خاصی اتفاق می افتد، جایز است؛ زیرا این ارتباط برای پرده داری و ازبین بردن عفت نیست، بلکه از ابتدا برای حفظ حریم عفت و حیا تأسیس شده و به وسیله مصالح مهم اجتماعی وضع شده است. وجود این ارتباط موجب حفظ عفت عمومی و تحکیم حیای فردی و کسب کمالات ازطرف فرد مقابل می شود. ارتباط با جنس مخالف باید با حفظ حریم فردی و رعایت عفت و حیای اجتماعی باشد. برخورد با جنس مخالف باید بر اصل تکبر استوار شود. رفتار صمیمانه، لب خندان، چهره گشاده داشتن با نامحرم و جنس مخالف ممنوع است.

۳-۲. روابط عاطفی

انسان در طول رشد خود پیوسته برای بقا و پیشرفت به ارتباط با دیگران نیازمند است. تمام انسان ها به دنبال یافتن کسانی هستند که به آنها احساس خوشبختی و زندگی لذت بخش دهند. شیطان از این امر غریزی نهایت سوءاستفاده را می برد. اول زن و مرد را به دام خود می کشد از همین جا انحراف آغاز می شود. متأسفانه گاهی احکام شرعی به بهانه های واهی زیرپا نهاده

می شوند. در روایت آمده است: «ایاک و الخلوۃ بالنساء و الذی نفسی بیده ما خلا رجل بامرأة الا دخل الشیطان بینهما و لان یزحم رجل خنزیرا متلطخا بطین و حماة خیر له من ان یزحم منکبه امرأة لا تحل له؛ از خلوت کردن با زنان پرهیزید. قسم به آن خدایی که جانم در دست اوست مردی با زنی خلوت نمی کند مگر اینکه شیطان برای وسوسه و به گناه انداختن آن دو وارد می شود. اگر خوکی آلوده به کثافت و لجن باشد و به انسان برخورد کند، بهتر است از آنکه شانه زن بیگانه ای با مرد نامحرم برخورد کند» (نوری، ۱۳۶۸، ۲۶۴/۱۴). گاهی علاقه درونی به جنس مخالف و نیاز به رابطه با او از چارچوب هنجارهای دینی خارج می شود و به سوی گناه کشیده می شود که امری غیراخلاقی و بسیار ناشایست است.

پیامبر اکرم صلی الله علیه و آله فرمود: «باعدوا بین أنفاس الرجال والنساء فإنه إذا كانت المعاينة واللقاء، كان الداء الذی لا دواء له؛ بین زنان و مردان نامحرم جدایی بیندازید؛ زیرا زمانی که دیدار و نگاه ها رد و بدل شود درد بی درمان به وجود می آید». (عجولونی، ۱۳۹۰، ۲۷۹/۱) ارتباط غیرشرعی با نامحرم، دام شیطان است و جوانان باید از آن برحذر باشند و روابط اجتماعی خود را درحد و اندازه مقررات شرعی و اخلاقی رعایت کنند.

۴. احکام رابطه عاطفی با نامحرم

۴-۱. روابط گفتاری با نامحرم

۴-۱-۱. روابط گفتاری با نامحرم در آیات

در قرآن کریم آمده است: «فلا تخضعن بالقول فیطمع الذی فی قلبه مرض؛ به گونه ای هوس انگیز با ناز و کرشمه سخن نگویند». (احزاب: ۳۲)

بحث دلالتی: مخاطب آیه خانم ها هستند که «با نامحرمان با ناز و کرشمه و هوس انگیز سخن نگویند که بیمار دلان در شما طمع کنند و سخن شایسته بگویند». آیه خطاب به همسران پیامبر صلی الله علیه و آله است که اگر همسران پیامبر صلی الله علیه و آله این کار را انجام دهند عذابش دوبرابر خواهد شد؛ زیرا اینها شخصیت اجتماعی دارند و اگر منحرف شوند اجتماع هم منحرف می شود. گفت و گو باید جدی و خشک و به طور معمولی باشد. زنان کم شخصیت سعی می کنند با تعبیرات تحریک کننده،

افراد شهوت‌ران را به فکر گناه اندازند. «الذی فی قلبه مرض». این تعبیر برای کسانی است که در دلشان بیماری است.

خضع به معنای خشوع است؛ یعنی نرمی و فروافتادگی. خضوع به معنای تواضع، سر به زیر انداختن و آرامی است. (راغب اصفهانی، ۱۳۸۸، ۶۰۹/۱) راغب میان خضوع و خشوع فرقی نمی‌داند. ادامه آیه بیان می‌دارد که «با ناز سخن نگویند». صیغه نهی، ظهور در حرمت دارد. اگر کسی با همسر خودش با ناز سخن بگوید، مشکلی ندارد، بلکه خوب است و اسلام تأکید هم می‌کند. مراد از نهی در اینجا ضررهای اجتماعی است. آیه می‌گوید: «فیطمع الذی فی قلبه مرض». به همین دلیل می‌توان نتیجه گرفت که چون خانم در خانه تنهاست و صدایش به گوش کسی نمی‌رسد در خانه با ناز سخن گفتن و تمرین ناز و کرشمه کردن مشکلی ایجاد نمی‌کند. اگر در جایی که چندین مرد وجود دارد با کرشمه سخن بگوید خلاف است؛ زیرا ممکن است شهوت جنسی یک یا چند نفر تحریک شود. محتوای سخنی که با ناز و کرشمه گفته است نیز در تحریک شهوت آنها تأثیر دارد. اگر فرد، مفاهیم عاشقانه شهوت‌زا و... بر زبان رانده باشد تحریک‌گری بسیار بالایی دارد و اگر کلامی اخلاقی بر زبان جاری ساخته است اشکال کمتری به او متوجه است. آیه با عبارت «قلن قولاً معروفاً» به این مورد اشاره دارد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۲۸۷/۱۷). گفت‌وگو و مکالمه شایسته با مردم را معروف می‌گویند. معروف یعنی، کلام نیکو، سنجیده و مورد رضایت خداوند. علامه طباطبایی می‌فرماید: «یعنی سخن معمول و مستقیم بگویند. سخنی که شرع و عرف اسلامی آن را پسندیده نه هر عرفی. سخنی که مدلول خود را برساند نه اینکه ناز و کرشمه بر آن اضافه کنید تا علاوه بر درک مدلول، دچار ریه هم بشود» (طباطبایی، ۱۳۹۴، ۴۶۰/۱۶).

تعبیر مختلفی در بیان احکام آمده است مانند «کتب علیکم الصیام». برخی مواقع، جمله خبری تشریع شده است مانند «طلاق مرتان» و برخی مواقع با وصف بیان شده است مانند «ماء طهوراً». گاهی نیز با امر شروع شده که حکمش از نوع تحریمی و ممنوعیت است مانند «قل للمؤمنین یغضوا من ابصارهم». بنابراین، همان‌گونه که از ظاهر آیه برمی‌آید در امور اجتماعی، اموری را مورد امر و نهی قرار داده است که رعایت نکردن تمامی آنها فسادآور، حرام، قبیح، دارای

عذاب اخروی و زمینه ساز مفسد فراوان دنیوی است. اسلام در برابر اخلاق جنسی نوین امروز غرب یعنی، اخلاق جنسی فرسوده جاهلیت، اخلاق جنسی دیگری را برای بشر ارائه کرده و براساس آن، حکم محدودیت روابط میان زن و مرد، پسر و دختر و پسر با پسر یا دختر با دختر را در حوزه نگاه تماس، گفت و گو و دیگر تمتعات قرار داده است. (مطهری، ۱۳۹۰، ص ۶۹)

۴-۱-۲. روابط گفتاری با نامحرم در روایات

رابطه گفتاری با نامحرم شامل گفتگو، شوخی کردن، سلام کردن، جواب سلام دادن، سخنان عاطفی و مهر و محبت می باشد که به بررسی حکم آن در روایات پرداخته می شود.

«عن محمد بن جعفر عن موسی بن عمران عن عمه الحسین بن یزید عن حماد بن عمرو النصبی عن أبی الحسن الخراسانی عن میسرة بن عبد الله عن أبی عائشة السعدی عن یزید بن عمر بن عبد العزيز عن أبی سلمة بن عبد الرحمن عن أبی هريرة و عبد الله بن عباس قالاً خطبنا رسول الله ص قبل وفاته و هی آخر خطبة خطبها بالمدينة من فاکه امرأة لا یملکها حبس بكل کلمة کلمها فی الدنيا ألف عام فی النار و المرأة إذا طاوعت الرجل فالتزمها أو قبلها أو باشرها حراماً أو فاکهها أو أصاب منها فاحشة فعليها من الوزر ما علی الرجل فإن غلبها علی نفسها کان علی الرجل وزر و وزرها؛ کسی که با زن نامحرم شوخی کند در مقابل هر کلمه ای که با او سخن گفته هزار سال در دوزخ حبس خواهد شد و هرگاه زن، مرد را به خود قبول کند در نتیجه مرد به واسطه حرام به او نزدیک شود مرتکب فحشایی مثل بوسیدن، نزدیکی، شوخی و... شود همان گناه که برای مرد است برای زن هم است، ولی اگر زن راضی نباشد و مرد با زور به وی دست درازی کند گناه زن نیز برای مرد نوشته می شود». (مجلسی، ۲۰۰۱، ۳۶۳/۷۳) اصل شوخی، رفتار پسندیده است و اسلام تأکید به نشاط و شوخی می کند: «با یکدیگر شوخی کنید و بخندانید». ائمه معصومین علیهم السلام هم شوخی می کردند، ولی اسلام برای آن حد و مرز قرار داده است و شوخی با نامحرم را حرام می داند.

۴-۱-۳. نظر فقها در مورد روابط گفتاری با نامحرم

امام خمینی رحمته الله علیه و آیت الله مکارم شیرازی می‌گویند: «گفت‌وگو با نامحرم به جز ضرورت مکروه است، به‌ویژه اگر مخاطب جوان باشد. اگر مردی بداند وقتی با نامحرم صحبت کند در گناه به‌غیر از مسائل شهوانی آلوده می‌شود، جایز نیست با نامحرم گفت‌وگو کند». (طباطبایی یزدی، ۱۳۸۸) آیت الله سیستانی فرمود: «گفت‌وگوی زنان با مرد نامحرم اگر خوف واقع شدن در حرام نباشد، صدا نازک و زیبا نباشد که مقابل را تحریک کند، اشکال ندارد وگرنه جایز نیست» (سیستانی، ۲۰۰۸، ص ۱۲۳). نتیجه گفت‌وگو کردن با نامحرم در غیر ضرورت، مکروه است. اگر خوف داشته باشد که در گناه بیفتد یا در شهوت آلوده شود، حرام است.

۴-۲. روابط با نامحرم در روابط دیداری

۴-۲-۱. روابط دیداری با نامحرم در آیات

«قل للمؤمنین یغضوا من أبصارهم ویحفظوا فروجهم ذلك أزکی لهم إن الله خبیر بما یصنعون؛ به مؤمنان بگو چشم‌های خود را از نگاه نامحرمان فروگیرند و عفاف خود را حفظ کنند. این برای آنان پاکیزه‌تر است. خداوند از آنچه انجام می‌دهید، آگاه است». (نور: ۳۱) این آیه در مورد روابط نگاه کردن مرد به زن نامحرم هست. آیه بعدی هم در مورد زنان است که به مرد نامحرم نگاه نکنند: «و قل للمؤمنات یغضن من أبصارهن ویحفظن فروجهن ولا یتبدین زینتهن إلا ما ظهر منها؛ به زنان بایمان بگو چشم‌های خود را از نگاه هوس‌آلود فروگیرند و دامن خویش را حفظ کنند و زینت خود را جز آن مقداری که نمایان است، آشکار نکنند» (نور: ۳۱).

بحث دلالتی: قل، فعل امر است و دلالت بر وجوب می‌کند. جمله «یغضوا من أبصارهم» عبارت یغضوا از ماده غض و بر وزن خز، فعل مضارع و جمله خبریه است. این کلمه به معنای کم کردن و نقصان است و در بیشتر موارد به معنای کوتاه کردن صدا یا کم کردن نگاه هم آمده است. آیه نمی‌گوید: «مؤمنان باید چشم‌هایشان را فروبندند»، بلکه می‌گوید: «نگاه خود را باید کم و کوتاه کنند». این تفسیر لطیفی است و مراد این است که وقتی انسان با زن نامحرم روبه‌رو می‌شود و اگر چشم خود را به‌طور کلی ببندد ادامه راه رفتن و مانند آن برایش امکان‌پذیر نیست، ولی اگر نگاه را

از صورت و اندام او فروگیرد و چشم خود را پایین بیاندازد گویا مثل این است که از نگاه خویش کاسته است. قرآن بیان نمی‌کند از چه چیزی چشمان خود را فروگیرند؛ یعنی متعلق آن حذف شده است تا دلیل بر عام باشد؛ یعنی از مشاهده کردن تمام آن چیزهایی که نگاه به آنها حرام است، چشم فروگیرد. باتوجه به سیاق آیه که در مورد مسئله حجاب است، روشن می‌شود که مراد، نگاه نکردن به زنان نامحرم است. آیه درصدد بیان این نیست که مردان به صورت زنان خیره نشوند تا برخی از آن چنین استفاده کنند که نگاه‌های غیرخیره جایز است، بلکه مراد این است که انسان وقتی نگاه می‌کند چشمان خود را فروگیرد. چشم منطقه وسیعی را زیر نظر می‌گیرد. هرگاه زن نامحرمی در حوزه دید او قرار گرفت چشم را پایین بیاورد و به او نگاه نکند. (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۴۳۵/۱۴)

به اصطلاح علمای اصول، نظرشان آلی باشد نه استقلالی. وقتی انسان به طرف دیگر نگاه می‌کند یک وقت نگاهش برای برانداز کردن و دقت کردن به آن شخص است. مثل اینکه وضع لباس و کیفیت آرایش آن شخص را بررسی کند و این نگاه استقلالی است، اما برخی مواقع، نگاهش برای حرف زدن و گفت‌گوست. این از قسمی است که مقدمه و وسیله است و نظرش به صورت آلی است. (مطهری، ۱۳۹۵، ۴۵۶/۱۹) «و یحفظوا فروجهن»: فرج به معنای شکاف انداختن و فاصله بین دو چیز است، ولی اینجا کنایه از عورت است. مراد از حفظ فرج، پوشاندن آن از نگاه کردن دیگران است. امام صادق علیه السلام فرمود: «کل آیه فی القرآن فیها ذکر الفروج فهی من الزنا الا هذه الایة فانها من النظر؛ هر آیه‌ای که در قرآن سخن از حفظ فروج دارد منظور حفظ کردن از زناست. جز این آیه که منظور از آن، حفظ کردن از نگاه دیگران است» (قمی، ۱۳۶۳، ۱۰۱/۲). این دو آیه، احکام نگاه کردن، چشم چرانی و حجاب را بیان می‌کند و به زن و مرد دستور به چشم‌پوشی می‌دهد و آیه مطلق است و حکم حرمت شامل هردو می‌شود.

۴-۲-۲. روابط دیداری با نامحرم در روایات

از امام علیه السلام نقل شده است: «فی الحدیث المرفوع لا تکنون حدید النظر إلی ما لیس لك فانه لا یزنی فرجك ما حفظت عینك وإن استطعت ألا تنظر إلی ثوب المرأة التي لا تحل لك فافعل ولن تستطیع ذلك إلا بإذن الله؛ از چیزی که نگاهش به او جایز نیست خیره خیره به او نگاه نکن. از این عمل

عورت مرتکب زنا نمی‌شود تا هنگامی که چشمانت را از نگاه به نامحرم حفظ کنی و اگر توانستی، حتی به لباس او نیز نگاه نکن که البته این کار را جز به اذن و اراده خدا نمی‌توانی انجام دهی». (ابن ابی الحدید، ۱۳۹۰، ۲۰/۲۳۶)

دلالت حدیث: کلمه «لا» ناهیه است و دلالت بر حرمت دارد. از نگاه متمرکز و هوس‌آلود نهی شده است. همچنین اثر را هم بیان کرده است. اگر نگاه هوس‌آلود نکند مرتکب زنا نمی‌شود؛ یعنی نگاه غیرسالم باعث زنا می‌شود، حتی نگاه به لباس زن نامحرم هم نهی شده است: «التی لا تحل لک». کلمه التی اسم موصول است. وقتی دونفر به یکدیگر با علاقه نگاه می‌کنند نیروی چشم هردو به یکدیگر تلاقی می‌کند و چیزی مثل جرقه نامرئی به طرف آن دو بازمی‌گردد و محبت، عاطفه، عشق و علاقه به واسطه ارتباط با همان نیرو به اینها الهام می‌شود. (قرشی، ۱۳۷۱، ۹۵/۱)

وقتی دوجنس مخالف در جرم ناپاکی گرفتار می‌شوند و از پسر سؤال می‌کنند که چگونه مطمئن شدی که این دختر به پیشنهاد گناه شما پاسخ مطلوب می‌دهد، می‌گوید: «نگاه‌های او بدون کمترین صحبت، نشان از رضایت داشت و اگر مایل به گناه نبود از این نگاه هوس‌آلود استقبال نمی‌کرد». باتوجه به این بحث علمی معلوم می‌شود که چگونه یک‌نگاه هوس‌آلود، نامه‌رسانی کرده و حوادث می‌آفریند و باعث انحراف‌ها و کج‌روی‌های مختلف در جامعه می‌شود. از نظر جامع‌شناسی، نگاه شهوانی آسیب‌زاست (راست‌گو، ۱۳۴۹، ص ۳۱).

۴-۲-۳. نظر فقها در مورد روابط دیداری با نامحرم

آیت‌الله سیستانی: «نگاه کردن به بدن زن و همان‌طور نگاه به موی زنان چه با شهوت چه بدون شهوت، چه ترس از وقوع در حرام چه بدون آن حرام است و نگاه کردن به دست و صورت که باز است اگر با شهوت نباشد باز هم احتیاط مستحب است نگاه نکند، اما اگر با شهوت نگاه کند، حرام است». (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۵)

آیت الله مکارم شیرازی: «نگاه کردن به بدن زن نامحرم چه با لذت باشد چه بدون آن، حرام است همچنین نگاه زن به بدن مرد نامحرم، اما نگاه به دست و صورت اگر موجب فساد و افتادن در گناه نباشد اشکال ندارد». (موسوی خمینی، ۱۳۸۱، ص ۴۱۷)

۴-۳. تماس لمسی با نامحرم

۴-۳-۱. تماس لمسی با نامحرم در آیات

خداوند در کلام خود به زن و مرد حکم می دهد که نگاه خود را از نامحرم فروبندند و پاکدامنی اختیار کنند. از دو آیه ۳۱، ۳۲ سوره نور می توان رعایت عفت در روابط زن و مرد را به دست آورد. همان گونه که نگاه به نامحرم از روی شهوت حرام است به طریق اولی، لمس بدن نامحرم نیز حرام است.

۴-۳-۲. تماس لمسی با نامحرم در روایات

ایجاد تماس با هر عضوی از بدن زنان نامحرم حرام است و مورد نفرت شارع است. بسیاری از فقها به دلیل بدیهی و واضح بودن این حکم متعرض آن نشده اند. فخرالمحققین می گوید: «کلمة یحرم النظر إلیه یحرم لمسه و ما یباح من الأجنبیة یحرم اختیارا لمسه إجماعا؛ لأنه أقوى فی التلذذ والاستمتاع من النظر، و لهذا لا یبطل الصوم بالإنزال المستند إلی النظر، و یبطل لو أستخدم إلی الملامسة؛ هرآنچه که نگریستن به آن حرام باشد، لمس کردن آن نیز حرام است و آنچه از زنان نامحرم که نگریستن به آن مباح است به اجماع لمس کردن آن درحالت اختیار، حرام است؛ زیرا لمس نسبت به نگاه موجب تلذذ و استمتاع بیشتری می شود. به همین دلیل اگر انزال منی به سبب نگریستن باشد روزه باطل نمی شود، ولی اگر به سبب لمس کردن باشد، باطل می شود». (فخر المحققین، ۲۰۰۱، ۹/۳)

در برخی از روایات آمده است که مردان از نشستن در جایی که زنی از قبل در آنجا نشسته است، پرهیز کنند. امام صادق علیه السلام می گوید از رسول خدا صلی الله علیه و آله نقل شده است: «عن ابی عبدالله علیه السلام قال: قال رسول صلی الله علیه و آله إذا جلست المرأة مجلسا فقامت عنه فلا یجلس فی مجلسها رجل حتی یبرد؛ هرگاه زن از جایی که نشسته بود، برخاست مرد تا آثار گرمی بدن وی از آنجا برطرف نشده است به جای او

ننشینند تا سرد نشود» (صدوق، ۱۳۹۹، ۴۶۷/۳). از این روایت معلوم می‌شود که رابطه مرد با زن نامحرم به قدری حساس، موجب فتنه و محرک شهوت است که شارع اسلام راضی نیست مرد حتی به طور غیرمستقیم با گرمای بدن او تماس داشته باشد و آن را احساس کند. باتوجه به این مسئله چطور ممکن است اسلام درباره لمس بدن زن نامحرم به طور مستقیم و احساس گرمای بدن او که به مراتب در تحریک مرد و ایجاد فتنه و فساد مؤثرتر است منعی نداشته باشد.

روایات نهی از مصافحه با نامحرم و دست ندادن پیامبر ﷺ با زنان در بیعت نیز دلیل دیگری بر عدم جواز لمس بدن یا اعضای نامحرم است مانند: «عن سماعه بن مهران قال سألت أبا عبد الله عليه السلام لا يحل للرجل أن محمد عن عثمان بن يصفاح المرأة إلا امرأة يحرم عليه أن يتزوجها أخت أو بنت أو عمة أو حالة أو بنت أحت أو نحوها وأما المرأة التي يحل له أن يتزوجها فلا يصفحها إلا من وراء التوب ولا يغمر كفها؛ سماعه بن مهران نقل می‌کند از امام صادق عليه السلام درباره مصافحه یعنی، دست دادن زن و مرد سؤال کردم. امام عليه السلام در پاسخ فرمود: برای مرد حلال نیست با زن مصافحه کند، مگر زنی که از محارم است و ازدواج با او حرام باشد همانند دختر، خواهر، عمه، خاله، دخترخواهر و مانند آن، اما نباید با زنی که نامحرم است و ازدواج با وی حلال است، مصافحه کند مگر از روی لباس و دست وی را نیز فشار ندهد». (حرعاملی، ۱۳۸۳، ۲۰۸/۲۰)

این روایت، دست دادن با نامحرم را جایز نمی‌داند؛ زیرا مصافحه امر طرفین است که با دست دادن دونفر محقق می‌شود. به همین دلیل اگر برای یک طرف حرام باشد برای طرف دیگر نیز حرام خواهد بود. از مجموع آیات و روایاتی که زنان را به داشتن پوشش مناسب در جاهای عمومی و حریم گرفتن از مردان نامحرم امر کرده و زنان و مردان را از نگاه کردن به نامحرم نهی می‌کند و نیز از تأکید زیاد در آیات و روایات بر حفظ حیا و عفت زنان در جامعه به خوبی استفاده می‌شود که لمس کردن بدن نامحرم به طور مطلق ممنوع است؛ زیرا لمس بدن نامحرم به مراتب از نگاه کردن به نامحرم که ممنوع و مورد نهی شارع است در تحریک شهوت و ایجاد فساد شدیدتر و قوی‌تر است. ازاین‌رو، اگر در ماه رمضان نگاه مرد به زن سبب جنابت و خروج منی از وی شود روزه‌اش باطل نمی‌شود، درحالی که اگر خروج منی از وی مستند به لمس زن باشد روزه‌اش باطل است.

۴-۳-۳. نظر فقها در مورد تماس لمسی با نامحرم

فقها نیز به این امر تصریح کرده و گفته‌اند در تمام مواردی که نگاه به نامحرم جایز نباشد لمس بدن و تماس با اعضای او نیز به طریق اولی جایز نیست. صاحب ایضاح الفوائد، صاحب جواهر و محقق نراقی بر این امر ادعای اجماع کرده‌اند. بنابراین، زن و مرد نامحرم حق لمس و تماس بدنی را ندارند. (حسینی، ۱۴۰۰) دین اسلام برای جلوگیری از ایجاد مفسده احتمالی فقط دست دادن هم‌جنسان را جایز و حلال و دست دادن با نامحرم را حرام می‌داند.

۵. حکم روابط عاطفی در فضای مجازی

در فضای مجازی که روابط به صورت مستقیم نیست و برخورد و تماس لمسی وجود ندارد آیا جایز است که روابط عاطفی به صورت نامحدود و بدون هیچ قیدی باشد. این نوع روابط از نظر شارع قابل قبول است یا نه. در گفت‌وگوی عاطفی زن و مرد با یکدیگر، دیدن تصاویر یکدیگر، پیامک و چت، نامه‌نگاری آنها فرقی بین حالت مستقیم و غیرمستقیم هست یا نه. قبل از بررسی حکم فقهی، ابتدا خود فضای مجازی را بررسی کرده و اقسام آن توضیح داده می‌شود. فضای مجازی از دو واژه تشکیل شده است: فضا و مجازی. فضا در لغت به معنای یک حیطه گسترده، آزاد، خالی و در دستیابی است. مجازی به معنای رایانه‌ای و شبکه‌های رایانه‌ای است و در اصطلاح، قلمرو و محیطی غیرفیزیکی و تخیلی از ارتباطات اجتماعی تعاملی است که با رایانه‌های به هم متصل بر بستر دیجیتال شکل می‌گیرد. (نصرالهی، ۱۳۹۵، ص ۵۷)

منظور از فضای مجازی در اینجا روابطی است که از راه واسطه یا وسیله و ابزار باشد. این روابط می‌تواند به واسطه پیامک، چت کردن، تلفنی، نامه، اینترنت و شبکه اجتماعی باشد. خداوند می‌فرماید: «و لا تقف ما لیس لك به علم إن السمع و البصر و الفؤاد کل أولئک کان عنه مسؤولاً؛ و از آنچه که بدان علم نداری، پیروی مکن؛ زیرا گوش و چشم و دل همه مسئولند» (اسرا: ۳۶). گاهی انسان بدون علم و یقین سخنانی می‌گوید یا سخنی که از فرد غیرموثق شنیده شده است را بیان می‌کند یا می‌گوید، دیده‌ام درحالی که ندیده و یا در تفکر خود دچار قضاوت‌های بی‌جا می‌شود که با واقعیت تناقض دارد. به همین دلیل از گوش، چشم، فکر و عقل انسان سؤال خواهد شد: «و لا تقف ما لیس لك

به علم؛ در مورد آنچه که علم ندارید آن را نگوئید»؛ زیرا «إن السمع والبصر والفؤاد كل أولئك كان عنه مسؤولاً؛ از گوش بدانچه که شنیده و از چشم بدانچه که دیده و از قلب بدانچه که اعتقاد به آن داشته، سؤال می‌کنند و مورد بازخواست قرار می‌گیرد» (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۱۶/۱۲).

۶. حکم ارتباط همکلاسی‌های نامحرم در کلاس

امروزه جوانان به این فخر می‌کنند که دوست‌های نامحرم و جنس مخالف داشته باشند و در کلاس‌ها با جنس مخالف می‌نشینند، با یکدیگر شوخی و مزاح می‌کنند: «فلا تخضعن بالقول فيطمع الذي في قلبه مرض؛ پس به ناز سخن مگوئید تا آنکه در دلش بیماری است» (احزاب: ۳۲). این آیه در مورد همسران پیامبر ﷺ نازل شده بود، اما در آیه هیچ قیدی نیاورده، بلکه مطلق ذکر شده است. بنابراین، این آیه را از باب الغاء خصوصیت می‌توان به زنان دیگر هم تسری داد. در آیه اشاره می‌کند «به ناز سخن مگوئید؛ زیرا باعث می‌شود دل مردان دچار ریه می‌شود و خیال‌های شیطانی می‌آید و شهوتش را برمی‌انگیزد». پس رابطه گفتاری با هم‌کلاسی نامحرم اگر بدون خضوع، لطیف و ناز باشد، جایز است.

۷. حکم ارتباط با مجتهد

«أما الحوادث الواقعة فارجعوا فيها إلى رواة حديثنا، فإنهم حجتی عليكم وأنا حجة الله عليهم؛ اما در رویدادهای زمانه به راویان حدیث ما رجوع کنید. آنان، حجت من بر شمايند و من حجت خدا بر آنانم». (مجلسی، ۲۰۰۱، ۱۸۱/۵۳؛ حرعاملی، ۱۳۸۳، ۱۴۰/۲۷) رجوع به فقها در عصر غیبت نه امری مستحب، بلکه واجبی شرعی است؛ زیرا آنان منصوب امام برای این کار هستند و از فرمان حضرت نمی‌توان تخلف کرد. هرچه محبت و ارتباط قلبی با مراجع تقلید بیشتر باشد تبعیت، هم‌رنگی، همراهی و همدلی با آنها نیز بیشتر خواهد شد. نقش عشق و محبت در ایجاد همسانی، همفکری، همراهی و هم‌سوئی بسیار مهم است و مردم پیوسته از چهره‌های محبوبشان الگو و سرمشق می‌گیرند. ایمان عاطفی به رهبری حتی در اطاعت سیاسی و اجتماعی هم تأثیر می‌گذارد و زمینه‌ساز تبعیتی عاشقانه می‌شود نه اطاعتی رسمی و تشریفاتی. در این صورت میان شناخت،

عشق و پیروی، رابطه‌ای مستحکم به وجود می‌آید؛ زیرا معرفت، محبت و محبت، ولایت و تبعیت می‌آورد. عشق و علاقه قلبی به مجتهد از این باب جایز است.

۸. حکم ارتباط با شهدا

در قرآن کریم ۱۰ آیه به طور صریح در مورد شهدا بیان شده و خداوند توصیف آنها را این گونه بیان کرده است: زنده بودن شهدا، رزق گرفتن آنها، عمل شهید ضایع نمی‌شود، گناهان شهید آمرزیده می‌شود، خوشحالی شهید، مشمول رحمت الهی می‌شوند، رستگار هستند و اجر عظیم داده می‌شود.

آیه اول: «و لا تحسبن الذین قتلوا فی سبیل اللّٰه اَمْواتا بل اَحیاء عند ربهم یرزقون؛ البته نپندارید که شهیدان راه خدا مرده‌اند، بلکه زنده به حیات ابدی شدند و در نزد خدا متنعم خواهند بود» (آل عمران: ۱۶۹) این آیه، رزق گرفتن شهدا را بیان کرده است.

دلالت آیه: کلمه «ولا» دلالت بر نهی مطلق دارد. «تحسبن» تأکید می‌کند «هرگز گمان نکنید». «قتلوا فی سبیل اللّٰه» قتلو فعل مجهول به معنای آن کس که کشته شده، یعنی مرگ دو نوع است: یکی مرگ عادی و دیگری مرگ غیرعادی؛ یعنی آنها کشته شده‌اند حالا کجا کشته شده‌اند؟ ادامه آیه بیان می‌دارد (فی سبیل اللّٰه) در راه خدا کشته شده‌اند؛ یعنی نه هر مرگی بلکه آنهایی که در راه خدا کشته شدند مرده نیستند بلکه (بل اَحیاء) زنده هستند نزد پروردگار و از رزق خدا هم بهره‌مند می‌شوند.

آیه دوم: «و لا تقولوا لمن یقتل فی سبیل اللّٰه اَمْوات بل اَحیاء و لکن لا تشعرون؛ کسی که در راه خدا کشته شد، مرده نپندارید، بلکه او زنده جاوید است، ولی این حقیقت را نخواهید یافت». (بقره: ۱۵۴) در این آیه سه تذکر داده شده است: اول، لفظ مرگ برای آنها استفاده نکنید آنها زنده هستند؛ دوم، حیات شهدا بعد از شهادت، جاودانی است؛ سوم، نمی‌توان زندگی و مقام شهدا را درک کرد (مکارم شیرازی، ۱۳۷۴، ۱۹۴/۳).

عشق و علاقه و رابطه عاطفی با شهدا، الگو گرفتن از آنها را به دنبال دارد. این رابطه عاطفی در راستای همان رابطه عاطفی با اولیای الهی و جایز است، هرچند استفاده از الفاظی مثل «نامزد»، «شهید من»، «رفیق شهیدم» و «شهید خودم» زیبنده نیست.

۹. حکم ارتباط با دکتر نامحرم

گاهی دکتر ناچار است برای معالجه به بیمار دست بزند و نگاه به عورت کند و این به‌ویژه در عمل‌های جراحی پیش می‌آید. پزشک در اتاق عمل مرد دیگر هم حضور پیدا می‌کند و به بدن بیمار نگاه می‌کند. گاهی دانشجویان پزشکی و پرستاران در اتاق عمل برای آموزش حضور دارند. حکم آن چیست. امام باقر علیه السلام فرمود: «محمد بن یعقوب عن محمد بن یحیی عن أحمد بن محمد بن عیسی عن علی بن الحکم عن أبي حمزة الثمالي عن أبي جعفر قال: سألته عن المرأة المسلمة يصيبها البلاء في جسدها إما كسر وإما جرح في مكان لا يصلح النظر إليه يكون الرجل أرفق بعلاجه من النساء أ يصلح له النظر إليها قال إذا اضطرت إليه فليعالجها إن شاءت؛ از امام محمد باقر علیه السلام سؤال شد اگر در بدن زن، بیماری به وجود آمد آیا مرد می‌تواند او را معالجه کند. حضرت فرمود: اگر به این امر مضطر باشد، جایز است او را معالجه کند» (حلی، ۱۳۹۰، ۳۰۸/۲).

دلالت روایت: قید «مرأه المسلمه» در روایت، یعنی زنی در مقام علاج مضطر شود. آیا این حکم اختصاص به زنان دارد یا شامل مردان هم می‌شود؟ دو احتمال دارد: احتمال اول، این که سؤال در مورد زن بود. اگر زنی مضطر شد بنابراین خصوص «مرأه» مراد است و باید در مورد حکم مرد مضطر سراغ قاعده رفت. احتمال دوم، باتوجه به سؤال عرفی بعید نیست الغای خصوصیت شود، پس این روایت شامل زن و مرد هردو می‌شود.

امام علیه السلام فرمود: «قال إذا اضطرت إليه». اگر معالجه از طرف هم‌جنس ناممکن باشد، می‌تواند جنس مخالف معالجه کند، پس حکم حرمت نگاه و لمس، استثناء شده است. بنابراین، در غیر از حالت اضطرار نمی‌تواند به بدن نامحرم نگاه کند. صاحب شرایع می‌گوید: «هرگاه نیاز به طبیب کند، می‌تواند برای معالجه به فرد نامحرم نگاه کند. در صورت ضرورت نگاه به عورت هم جایز است». شیخ انصاری در کتاب بیع نظر خود را بیان می‌کند. قاعده «لیس مما حرم الله الا و قد احله لمن

اضطرر إلیه؛ هیچ حرامی نیست مگر درموقع اضطرار» حلال می‌شود. به دلیل تمسک به قاعده که ضرورت معالجه را ثابت می‌کند نگاه طبیب به عورت نامحرم و اعضای بدن جایز است (انصاری، ۱۳۹۰، ص ۵۶).

۹-۱. حکم فقها در مورد حکم ارتباط با دکتر

امام خمینی رحمته الله علیه: «اگر ضرورت و لازم باشد مراجعه به دکتر مرد مانع ندارد، اما بدون ضرورت و با بودن زن دکتر، مراجعه نکند». (موسوی خمینی، ۱۳۶۸، ۲۷۹/۳)

آیت الله سیستانی: «اگر نگاه یا لمس لازمه حرام قرار بگیرد باوجود داشتن دکتر و متخصص زن، جایز نیست، اما به این شرط که اگر اعتماد نباشد در انجام صحیح کار، دکتر زن جایز است». (محمودی، ۱۳۸۸، ۱۸۴/۱)

آیت الله خامنه‌ای: «اگر معاینه و درمان بدون نگاه و لمس ممکن نباشد و یا مراجعه به دکتر زن حاذق و متخصص غیرممکن باشد دراین صورت جایز است والا جایز نیست». (خامنه‌ای، ۱۴۰۰، ص ۳۱۱)

۱۰. نتیجه گیری

یکی از مسائل و معضلاتی که بر سلامت جوان تأثیر می‌گذارد داشتن رابطه عاطفی بین نامحرم است که اسلام چنین رابطه‌ای را نامشروع می‌داند و جامعه به فساد کشیده می‌شود. با بررسی این گونه روابط این نتیجه حاصل می‌شود که بهترین نظریه در مورد روابط بین دختر و پسر از نظر آیات قرآن، روایات معصومین علیهم السلام و نظریه فقها داشتن رابطه سالم با حفظ حریم شرعی است. کیفیت و چگونگی روابط براساس دین اسلام چند نوع است:

رابطه دیداری: اسلام نگاه اول و اتفاقی را جایز می‌شمارد، اما بار دوم نگاه کردن بدن نامحرم چه قصد لذت باشد یا نباشد حرام است. نگاه کردن به دست و صورت بدون ریبه و لذت باشد، جایز است، اما اگر برعکس باشد، حرام است، ولی در صورت نیاز و ضرورت مانند موقع علاج، نگاه به بدن نامحرم جایز است.

رابطه لمسی: رابطه دختر و پسر به قدری حساس است که موجب فتنه و محرک شهوت می شود و شارع راضی نیست حتی به طور غیرمستقیم با گرمای بدن او تماس داشته باشد. دست دادن به نامحرم جایز نیست، اما لباس یا چیز دیگری بین دو دست حائل باشد دلالت به جواز دارد و هم در صورت علاج، لمس جایز این موارد استثناست.

رابطه کلامی: گفت و گو کردن با نامحرم اگر خوف به ریبه و قصد لذت نباشد، جایز و گرنه حرام است، اما گفت و گو با نامحرم بدون ضرورت، دلالت به مکروه دارد.

رابطه مجازی: چت کردن با نامحرم، دیدن عکس یا فیلم در فضای مجازی اگر به قصد لذت و خوف به گناه نباشد موقع ضرورت جایز و گرنه اشکال دارد.

فهرست منابع

- * قرآن کریم (۱۳۸۸). مترجم: مکارم شیرازی، ناصر. قم: ولی عصر.
۱. ابن ابی الحدید، عبد الحمید (۱۳۹۰). شرح نهج البلاغه. قم: انتشارات دارالفکر.
۲. انصاری، مرتضی (۱۳۹۰). کتاب النکاح. قم: مؤسسه نشر اسلامی.
۳. بهشتی، محمد (۱۳۹۱). تربیت عواطف از منظر امیرالمؤمنین (علیه السلام). مجموعه مقالات همایش تربیت در سیره و کلام امام علی (علیه السلام). تهران: دانشگاه آزاد اسلامی.
۴. حرعاملی، محمد بن حسن (۱۳۸۳). وسائل الشیعه. قم: انتشارات دارالحديث.
۵. حسینی فقیه، محسن (۱۴۰۰). درس خارج فقه. <https://eshia.ir/Feqh/Archive/Hoseiny-Faqih/feqh/1400>
۶. حلی، ابن ادریس (۱۳۹۰). السرائر الحاوی لتحریر الفتاوی. قم: انتشارات اسلامی.
۷. خامنه ای، علی (۱۴۰۰). اجویه الاستفتائات. تهران: انتشارات انقلاب اسلامی.
۸. دهخدا، علی اکبر (۱۳۷۳). لغت نامه دهخدا. تهران: انتشارات و چاپ دانشگاه تهران.
۹. راستگو، محمدباقر (۱۳۴۹). برای چشم هایت. تهران: انتشارات برهان.
۱۰. راغب اصفهانی، ابی القاسم حسین (۱۳۸۳). مفردات الفاظ قرآن راغب. قم: دارالکتب العلمیه.
۱۱. سیستانی، علی (۲۰۰۸). پاسخ به سوالات جامعه. قم: انتشارات الزهرا، جزوه زینت.
۱۲. صدوق، محمد بن علی (۱۳۹۹). من لایحضره الفقیه. قم: انتشارات جامعه مدرسین.
۱۳. صدوق، محمد بن علی بن حسین (۲۰۰۱). ثواب الاعمال و عقاب الاعمال. قم: انتشارات دارالحديث.
۱۴. صدوق، محمد بن علی بن حسین (۲۰۰۱). علل الشرایع. قم: انتشارات دارالحديث.
۱۵. طباطبایی یزدی، محمدکاظم (۱۳۸۸). عروه الوثقی حاشیه (نکاح). قم: انتشارات دارالعلم.
۱۶. طباطبایی، محمد حسین (۱۳۹۴). تفسیر المیزان. قم: مؤسسه انتشارات اسلامی.
۱۷. عجلونی الجراحی، اسماعیل بن محمد (۱۳۹۰). کشف الخفاء. بیروت: دارالکتب العلمیه.
۱۸. فخرالمحقق، محمد بن حسن حلی (۲۰۰۱). ایضاح الفوائد. قم: انتشارات دارالکتب الاسلامیه.

۱۹. قرشی، علی اکبر (۱۳۷۱). قاموس القرآن. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۰. قمی، علی بن ابراهیم (۱۳۶۳). تفسیر قمی. قم: دارالکتاب.
۲۱. مجلسی، محمدباقر (۲۰۰۱). بحارالانوار. تهران: انتشارات اسلامیه.
۲۲. محسنیان راد، مهدی (۱۳۶۹). ارتباط شناسی. تهران: انتشارات سروش.
۲۳. محمودی، محسن (۱۳۸۸). مسائل جدید از دیدگاه علما و مراجع تقلید. تهران: علمی فرهنگی صاحب الزمان.
۲۴. مطهری، مرتضی (۱۳۹۵). مجموعه آثار. تهران: انتشارات صدرا.
۲۵. مطهری، مرتضی مطهری (۱۳۹۰). مسئله حجاب. تهران: انتشارات صدرا.
۲۶. معلوف، لویس (۱۳۸۰). المنجد فی الغه. تهران: ذوی القربی.
۲۷. مکارم شیرازی (۱۴۲۵). توضیح المسائل. قم: انتشارات اسلامی.
۲۸. مکارم شیرازی، ناصر (۱۳۷۴). تفسیر نمونه. تهران: دارالکتب الاسلامیه.
۲۹. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۶۸). استفتائات. تهران: مؤسسه تنظیم و نشر آثار امام خمینی رحمته الله علیه.
۳۰. موسوی خمینی، روح الله (۱۳۸۱). توضیح المسائل مراجع. قم: انتشارات اسلامی.
۳۱. موسوی کانی، رضا (۱۳۸۷). آسیب شناسی روابط دختر و پسر. نشریه پرسمان، شماره ۶۵، ۴-۱۰.
۳۲. نصرالهی، محمدصادق، و اسماعیلی، محسن (۱۳۹۵). پالایش فضای مجازی، حکم و مسائل آن از دیدگاه فقهی. نشریه دین و ارتباطات، ۴۹ (۲۳)، ۵۳-۸۰.
۳۳. نوری، محمد بن حسین (۱۳۶۸). مستدرک الوسائل. قم: آل بیت.
۳۴. یوسفیان، نعمت الله (۱۳۸۸). تربیت دینی فرزندان. قم: مؤسسه امام خمینی رحمته الله علیه.